

عربی یازدهم هُدُهد

(ادبیات و علوم انسانی)

از مجموعه مرشد

- ▲ درس نامه کامل
- ▲ پرسش های چهارگزینه ای (تألیفی و کنکور و مسابقات)
- ▲ پاسخ نامه تشریحی با نکته های کلیدی
- ▲ برای داوطلبان رشته های برتر دانشگاه های مشهور

خدیجه علیپور

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ



به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

دانش آموزان گرامی

دوره دوم متوسطه، شما را برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره‌های بالاتر آماده می‌کند. اگر بگوییم آینده‌ی شغلی شما بستگی به موفقیت تحصیلی شما در این دوره‌ی سه ساله دارد، اغراق نکرده‌ایم. شما برای موفقیت در این دوره باید تلاش کنید و از مشاوران و معلمان و کتاب‌های مناسب برخوردار شوید.

ما در انتشارات مبتکران، بسیار خرسندیم که کتاب‌های عربی هُدُود را در اختیار شما قرار می‌دهیم. این کتاب‌ها که از مجموعه کتاب‌های «مرشد» به حساب می‌آیند، موفقیت تحصیلی شما را تضمین می‌کنند. این مجموعه، برای دانش‌آموزانی به رشته‌ی تحریر در آمده است که مایلند در بهترین رشته‌های گروه آزمایشی علوم انسانی دانشگاه‌های بنام کشور تحصیل کنند. کتاب «عربی دهم هدهد» شما را برای شرکت در امتحانات و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها آماده می‌کند.

مؤلفان مجموعه‌ی هدهد پس از ارائه‌ی درسنامه‌ی جامع، بانک سؤال کاملی را در اختیار شما قرار می‌دهند که شامل پرسش‌های چهارگزینه‌ای کنکور و پرسش‌های تألیفی است. این پرسش‌ها براساس فصل‌ها و بخش‌های کتاب درسی طبقه‌بندی شده‌اند.

مطالعه پاسخ‌نامه‌ی تشریحی همراه با نکته‌های کلیدی و آموزنده، موفقیت شما را تسهیل خواهد کرد. در پایان، وظیفه‌ی خود می‌دانیم از مؤلف محترم این کتاب، سرکار خانم خدیجه علیپور و دبیر محترم مجموعه تشکر کنیم.

هم‌چنین از خانم فرشته کلاهی حشمت که زحمت حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب را برعهده داشته است و خانم بهاره خدای (گرافیکست) بسیار ممنونیم و برای همه‌ی این عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

انتشارات مبتکران



٧.....	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ مَوَاعِظُ قِيَمَةٌ
٣٩	الدَّرْسُ الثَّانِي صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ
٦٧	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ
٩٧	الدَّرْسُ الرَّابِعُ تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ
١٢٩	الدَّرْسُ الْخَامِسُ الْمَدِّقُ
١٥٧	الدَّرْسُ السَّادِسُ ارْحَمُوا ثَلَاثَةً
١٨٣	الدَّرْسُ السَّابِعُ لَاتَقْنَطُوا

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



ترجمه درس اول

مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ

پندهای بارزش



۱. يُحِبُّ الْآبَاءَ وَالْأُمَّهَاتُ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ،
پدران و مادران دیدن فرزندان خود در نیکوترین وضعیت را دوست می‌دارند،
۲. وَ لِذَلِكَ يُرْشِدُونَهُمْ دَائِمًا إِلَى الصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ،
و به همین خاطر آن‌ها را همیشه به ویژگی‌های خوب و کارهای شایسته راهنمایی می‌کنند،
۳. كَالْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ، وَ تَعَلَّمَ الْعُلُومَ وَ الْمَهَارَاتِ وَ الْفُنُونِ النَّافِعَةَ،
هم‌چون اخلاق نیکو و آموختن علوم و مهارت‌ها و هنرهای سودمند،
۴. وَ الْإِتِّعَادِ عَنِ الْأَرَادِلِ، وَ التَّقَرُّبِ إِلَى الْأَفْضَلِ، وَ الْإِهْتِمَامِ بِالرِّيَاضَةِ، وَ مُطَالَعَةِ الْكُتُبِ،
و دوری از پستی‌ها و نزدیکی به شایستگان و توجه به ورزش و مطالعه کتاب‌ها،
۵. وَ احْتِرَامِ الْقَانُونِ، وَ الْاِقْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكَهْرَبَاءِ،
و احترام گذاشتن به قانون و صرفه‌جویی در مصرف آب و برق،
۶. وَ حَسَنِ التَّغْذِيَةِ، وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الصِّفَاتِ وَالْأَعْمَالِ... .
و تغذیه خوب و دیگر صفات و کارها
۷. وَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نَرَى «لِقْمَانَ الْحَكِيمِ» يُقَدِّمُ لِابْنِهِ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ،
و در قرآن کریم «لقمان حکیم» را می‌بینیم که به پسرش پندهای ارزشمندی را تقدیم می‌کند،
۸. وَ هَذَا نَمُودَجٌ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ.
و این یک نمونه تربیتی است که به وسیله آن همه جوانان هدایت شوند.
۹. فَقَدْ جَاءَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ: ﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾
پس در قرآن کریم آمده است: «ای پسرکم نماز را به‌پا دار و به نیکی دستور بده و از زشتی بازدار.»
۱۰. وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ
و بر آن‌چه به تو رسیده است صبر کن زیرا آن از کارهای مهم است
۱۱. وَ لَا تَصْعُرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ
و با تکبر رویت را از مردم برنگردان و در زمین شادمانه و با ناز و خودپسندی راه نرو زیرا خدا هر خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد

۱۲. وَ أَقْصِدْ فِي مَشِيكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿١٧﴾ لقمان: ۱۷ - ۱۹

و در راه رفتن خود میانه روی کن و صدایت را پایین بیاور زیرا زشت ترین صداها بی گمان صدای خران است.»

۱۳. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يُحَافِظُ عَلَى الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا،

قطعا خداوند کسی را که بر نماز در وقت خود، محافظت می کند، دوست می دارد،

۱۴. فَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ «إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ.»

پس پیامبر (ص) فرموده اند: «همانا ستون دین نماز است.»

۱۵. وَ عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُشْتَاقِينَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَ نَاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

و ما باید به کارهای شایسته مشتاق باشیم و بازدارنده از زشتی باشیم،

۱۶. وَ صَابِرِينَ عَلَى الْمَشَاكِلِ وَ الشَّدَائِدِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْأُمُورِ الْمُهْمَةِ.

و بر مشکلات و سختی ها صبور باشیم؛ پس آن از کارهای مهم است.

۱۷. وَ عَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَسَاتِدَتِنَا وَ أصدقَائِنَا وَ زُمَلَانِنَا وَ جيرانِنَا وَ أَقربَائِنَا وَ كُلِّ مَنْ حَوْلَنَا؛

و ما باید در برابر اساتیدمان و دوستانمان و همکلاسی هایمان و همسایگان خود و نزدیکانمان و هر کسی که اطراف ما است،

فروتنی کنیم؛

۱۸. فَقَدْ قَالَ الْإِمَامُ الْكَاظِمُ (ع) «الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ، وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ.»

پس امام کاظم (ع) فرموده اند: «حکمت در قلب شخص فروتن عمر می کند و در قلب شخص مغرور و ستمکار زورمند

عمر نمی کند.»

۱۹. إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ.

همانا خداوند هر خودپسندی را دوست ندارد.

۲۰. إِذْنُ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخِرِينَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ،

بنابراین ما نباید بر دیگران کبر بورزیم پس خداوند مغروران را دوست ندارد،

۲۱. وَ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَرْفَعَ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الْمُخَاطَبِ؛

و ما نباید صداهایمان را بالای صدای مخاطب، بالا ببریم؛

۲۲. فَقَدْ شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلِ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْحِمَارِ.

پس خداوند سخن کسی را که صدایش را بدون دلیل منطقی بالا می برد به صدای الاغ تشبیه کرده است.



قواعد درس اول

اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ



اسم تفضیل: اسمی است که برای بیان برتری کسی یا چیزی و یا «کم‌تر» و یا «زیادتر» بودن صفتی در موردی نسبت به مورد دیگر را بیان می‌کند.

* اسم تفضیل مذکر: بر وزن «أفعل» ساخته می‌شود.

مثال: أعظم، أثقل، أصغر (بزرگ‌تر - سنگین‌تر - کوچک‌تر)

مثال: علی أصغر من أخيه. (علی از برادرش کوچک‌تر است.)

* اسم تفضیل مؤنث: بر وزن «فعلی» ساخته می‌شود.

مثال: عظمی، ثقلی، صغری (بزرگ‌تر - سنگین‌تر - کوچک‌تر)

مثال: نحن نعيش في القرية الصغرى: ما در روستای کوچک‌تر زندگی می‌کنیم.

نکته ۱: کلماتی که بر وزن «أفعل» می‌آیند در صورتی اسم تفضیل هستند که بر رنگ و عیب دلالت نکنند.

برخی رنگ‌ها در زبان عربی: «أحمر» (قرمز)، «أزرق» (آبی)، «أسود» (سیاه)، «أبيض» (سفید)، «أصفر» (زرد)، «أخضر» (سبز).

برخی عیب‌ها در زبان عربی: «أحمق» (کم‌عقل)، «أبتر» (بریده شده)، «أعوج» (کج، خمیده)، «أعرج» (لنگ)، «أصم» (کَر، ناشنوا)، «أبکم» (کر و لال)، «أخرس» (لال)، «أعمى» (کور، نابینا)

مثال‌های فوق همگی بر وزن «أفعل» هستند اما چون بر رنگ و عیب دلالت دارند، نمی‌توان آن‌ها را اسم تفضیل به شمار آورد.

نکته ۲: گاهی اسم تفضیل (بدون ال) شبیه فعل ماضی باب «إفعال» می‌شود در چنین موردی باید به معنی جمله دقت کنیم.

(اسم تفضیل) ← مثال: فؤاد أحسن الطلاب: فؤاد بهترین دانش‌آموزان است.

(فعل ماضی) ← مثال: فؤاد أحسن بأصدقائه: فؤاد به دوستانش نیکی کرد.

نکته ۳: هرگاه دو طرف مقایسه مؤنث باشند از «أفعل» برای بیان برتری استفاده می‌شود.

مثال: زهراء أصغر من مریم: زهرا کوچک‌تر از مریم است.

* اسم تفضیل برای مؤنث زمانی بر وزن «فعلی» می‌آید که بخواهیم برای آن اسم مؤنث، صفت بیاوریم.

مثال: جاءت فاطمة الصغرى: (فاطمه کوچک‌تر آمد.)

اسم تفضیل مؤنث

نکته ۴: «أول» اسم تفضیل مذکر و مؤنث آن «أولی» می‌باشد. (نخستین)

نکته ۵: کلمه «آخر» اسم تفضیل مذکر و مؤنث آن «أخری» است. (دیگری)

* کلمه «آخر» اسم فاعِلِ مذکر است و مؤنث آن «آخرة» است.

◆ **مثال:** الدُّنْيَا مزرعة الآخرة.

اسم تفضیل
برای مؤنث

اسم فاعل
برای مؤنث

◆ **نکته ۶:** گاهی وزن اسم تفضیل به شرح زیر است؛ کلماتی هم چون اَقْل (کم تر، کم ترین)، اَشَدَّ (شدیدتر، شدیدترین)،

أَحَبَّ (محبوب تر، محبوب ترین)، أَعْلَى (بلندتر، بلندترین)، أَعْلَى (گران تر، گران ترین)، أَهَمَّ (مهم تر، مهم ترین) اسم تفضیل هستند.

◆ **نکته ۷:** اسم تفضیل، دو معنی «تر» و «ترین» دارد. اما اگر پس از آن «مِن» (حرف جر به معنای «از») بیاید، به صورت

«تر» ترجمه می شود. (صفت برتر)

◆ **مثال:** غُرْفَتِي أَكْبَرُ مِنْ غُرْفَتِكَ: اتاق من از اتاق تو بزرگ تر است.

* اگر پس از اسم تفضیل حرف «مِن» نیاید معمولاً به صورت «ترین» ترجمه می شود. (صفت برترین)

◆ **مثال:** أختي أَحْسَنُ طَبِيبٍ. برادرم بهترین پزشک است.

◆ **نکته ۸:** جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ در عبارت زیر به دو کلمه «الأراذل و الأفاضل» دقت کنید.

◆ **مثال:** «إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل.»

جمع مکسر «أرذال» جمع مکسر «أفضل»

◆ **نکته ۹:** دو اسم «خَيْر و شَر» اگر به معنی «بهترین و بدترین» و «بهتر و بدتر» باشند، اسم تفضیل هستند.

◆ **مثال:** أولئك خيرُ النَّاسِ. (آنان بهترین مردم هستند.)

◆ **مثال:** هم شرُّ الأولاد. (آنها بدترین فرزندان هستند.)

* «خیر و شر» گاهی در معنای «وصفی» هستند؛ نیک، بد

◆ **مثال:** اِفْعَلُوا أعمالَ الخیر. (کارهای نیک انجام دهید.)

◆ **مثال:** عَمَلُكَ الشَّرُّ يَضُرُّنا. (کار بد تو به ما آسیب می رساند.)

* «خیر و شر» گاهی در معنای «مصدر» هستند؛ نیکی، بدی

◆ **مثال:** أنا أَحِبُّ الخیرَ. (من نیکی (کردن) را دوست دارم.)


◆ **مثال:** يا ربِّ اَبْعِدْنِي مِنَ الشَّرِّ. (پروردگارا مرا از بدی (کردن) دور کن.)

ترجمه «قد»:

* «قد» حرفی است که بر سر فعل ماضی و مضارع می آید.


* هرگاه بر سر فعل مضارع بیاید معنی تقلیل (شاید، به ندرت، گاهی) می دهد.



 **مثال:** قد يتوبُ الكافرُ. (به ندرت کافر توبه می کند.)

مضارع

* هرگاه بر سر فعل ماضی بیاید فعل، معادل ماضی نقلی فارسی ترجمه می شود.

 **مثال:** قد اجتنَبَ المؤمنُ مِنَ الْعُجْبِ. (مؤمن از خودپسندی دوری کرده است.)

ماضی

اسم المكان:

اسم مکان، اسمی است که بر مکان دلالت می کند و غالباً دارای سه وزن است:

۱. مَفْعَل، مانند: مَكْتَب (دفتر)

۲. مَفْعِل، مانند: مَسْجِد (محل سجده)

۳. مَفْعَلَةٌ، مانند: مَدْرَسَةٌ (محل درس خواندن)

* جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می آید.

مَنْزِل ← مَنَازِل / مَطْعَم ← مَطَاعِم

مبتدیان



■ عَيْنُ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ: (۱ - ۵۰)

۱. «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.»:

(۱) محبوب‌ترین بندگان خدا به خدا سودمندترینشان به بندگانش است.

(۲) خداوند بندگانی را دوست دارد که به بندگانش سود می‌رسانند.

(۳) دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا به خدا سودمندترین به همه بندگان است.

(۴) دوست دارم بندگان خدا را که به بندگانش سودمند هستند.

۲. «هَذِهِ النَّمَاذِجُ التَّرْبَوِيَّةُ فِي الْمُجْتَمَعِ تُسَبِّبُ اهْتِدَاءَ الشَّبَابِ.»:

(۱) این نمونه‌های تربیتی در جامعه ما هدایت جوانان را نیز سبب خواهد شد.

(۲) این نمونه‌های تربیتی در جامعه باعث هدایت جوانان می‌شود.

(۳) این‌ها نمونه‌هایی تربیتی در جامعه‌اند که باعث ارشاد جوانان شده‌اند.

(۴) این الگوها در جامعه تربیت شده‌اند تا باعث هدایت جوانان باشند.

۳. عَيْنُ الْخَطَأِ:

(۱) يَحْرَصُ الْوَالِدَانِ عَلَى أَنْ يُقَدِّمًا إِلَى الْمُجْتَمَعِ أَوْلَادًا فِي أَحْسَنِ حَالٍ: پدر و مادر اهتمام می‌ورزند بر این‌که به جامعه فرزندی را در بهترین حال تقدیم کنند.

(۲) إِنَّهُ صَدِيقَكَ عَنِ الْمُنْكَرَاتِ وَالْإِقْتِرَابِ مِنَ الْمَشَى الْمَرْحِ: دوستت را از زشتی‌ها و نزدیکی به راه رفتن با تکبر باز بدار.

(۳) عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُشْتَاقِينَ فِي عَزْمِ الْأُمُورِ وَالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ: ما باید در کارهای مهم و کارهای شایسته مشتاق باشیم.

(۴) كَانَ الْأُسْتَاذُ يُقَدِّمُ لِلشَّبَابِ مَوَاعِظَ غَالِيَةً وَ قِيمَةً فِي حَدِيثِهِ: استاد به جوانان پندی با ارزش در سخنان خود تقدیم کرده بود.

۴. «عَلَيْنَا بِالْإِقْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَالْكَهْرَبَاءِ فِي كُلِّ السَّنَةِ خَاصَّةً فِي فَصْلِ الصَّيْفِ.»:

(۱) ما باید در مصرف آب و برق در تمام سال به ویژه در فصل تابستان صرفه‌جویی کنیم.

(۲) بر ما واجب است که در تمام سال به ویژه در فصل گرم تابستان در مصرف آب و برق صرفه‌جو باشیم.

(۳) بر ماست به صرفه‌جویی کردن در استفاده از آب و گاز در هر سال به ویژه این‌که در فصل تابستان باشد.

(۴) ما باید در مصرف آب و برق در همه سال‌ها مخصوصاً در فصل تابستان میانه‌رو باشیم.





۵. «يُؤَكِّدُ فِي الْقُرْآنِ أَنَّ مِنْ وَاجِبِنَا السَّعْيُ فِي سَبِيلِ الْاِسْتِفَادَةِ الصَّحِيحَةِ مِنَ النِّعَمِ الْاِلَهِيَّةِ لِلسَّبْرِ نَحْوَ الْكَمَالِ!»: (سراسری ۸۷)

۱) قرآن به ما تأکید می‌کند که از وظایف ما سعی و کوشش در راه‌های استفاده از موهبت‌های الهی و تحرک به سمت کمال می‌باشد!

۲) در قرآن تأکید می‌شود که سعی و کوشش در راه استفاده صحیح از نعمت‌های الهی برای حرکت به سوی کمال بر ما لازم است!

۳) تأکید قرآن این است که بر ما لازم است که در راه کاربرد صحیح نعمت‌های الهی و تحرک به سمت رشد و کمال سعی کنیم!

۴) در قرآن تأکید شده است که از واجبات ما تلاش در مسیر کاربرد صحیح از نعمت‌های الهی و حرکت به سوی کمال می‌باشد.

۶. «لِلْاَيَّامِ الْمَاطِرَةِ ظَاهِرَةٌ جَمِيلَةٌ تَتَكَوَّنُ مِنَ الْاَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ تَجْعَلُ السَّمَاءَ خَلَابَةً!»: (سراسری ۸۷)

۱) پدیده‌ای زیبا در روزهای بارانی در آسمان وجود دارد با رنگ‌هایی متنوع و آسمانی دیدنی و دلربا!

۲) روزهای بارانی پدیده‌ای زیبا دارد که از رنگ‌های مختلف که آسمان را دلربا می‌کند، تشکیل می‌شود!

۳) روزهای بارانی پدیده‌ای زیبا از رنگ‌های متفاوت تشکیل می‌دهد و آسمان را زیبا می‌سازد و چشم‌ربا!

۴) پدیده‌ای زیبا برای روزهای بارانی است که آسمان به سبب آن دلربا شده و رنگ‌های مختلفی به وجود می‌آورد!

۷. «عَلَيْنَا أَنْ نَسْعَى لِاِسْتِفَادَةِ مِنَ النِّعَمِ الْاِلَهِيَّةِ فِي طَرِيقِ حَرَكَتِنَا نَحْوَ الْكَمَالِ!»: (سراسری ۸۷)

۱) بر ماست که برای استفاده از نعم الهی و رسیدن به کمال و رشد سعی و تلاش کنیم!

۲) ما باید برای استفاده از نعمت‌های الهی در راه حرکتمان به سوی کمال سعی و تلاش کنیم!

۳) ما برای بهره‌مندی از مواهب الهی در طریق حرکت به سوی سعادت و کمال خویش باید کوشش کنیم!

۴) بر ما لازم است که جهت بهره‌وری از نعمت‌های الهی در حرکت خویش به سمت رشد و کمال سعی کنیم!

۸. «كَانَ الْبَاحِثُونَ الْمَسْلُومُونَ يَهَاجِرُونَ إِلَى النِّقَاطِ الْبَعِيدَةِ مِنَ الْأَرْضِ لِاِكْتِشَافِ اسْرَارِ الْكَوْنِ.»: (سراسری ۸۷)

۱) پژوهشگران اسلامی به مناطق دوردستی از زمین برای کشف راز هستی سفر کرده‌اند.

۲) محققان مسلمان برای کشف اسرار هستی به نقاط دوردست زمین مهاجرت می‌کردند.

۳) جستجوگران اسلامی به اقصی نقاط زمین برای به دست آوردن رازهای جهان مسافرت کرده بودند.

۴) تحقیق‌گران مسلمان بودند که به مناطق دوردست زمین برای اکتشاف اسرار دنیا مهاجرت نمودند.

۹. عَيْنِ الْخَطَا: (سراسری ۸۹)

۱) الظلم على الضعيف أقيح الظلم، وهذا العمل مذموم!؛ ظلم بر ضعیف، زشت‌ترین ظلم است و این کار ناپسند است!

۲) الزاهدون يَجْتَنِبُونَ الْخَطِيئَاتِ، وَ هُوَ لَاءَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ!؛ زاهدان از خطاها دوری می‌کنند، و این‌ها پیش خدا محبوبند!

۳) النَّاسُ يَذْنُبُونَ وَ قَلِيلٌ مِنْ هُوَ لَاءَ الْمُدْنِبِينَ يَتُوبُونَ!؛ مردم گناه می‌کنند و عده کمی از این‌ها گناهکارانی هستند که توبه می‌کنند!

۴) يَعْبُدُ الْعَابِدُونَ اللَّهَ فِي اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ وَ هَذَا اللَّيْلُ كَسْتِرٍ لَّهُمْ!؛ عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می‌کنند و این شب مانند

پوششی برای آن‌هاست!

(سراسری ۸۷)

- ۱) فی مدرستنا تختص ثلاثُ جَلَسَاتٍ بتعلیم اللُّغة العَرَبیَّة: در مدرسه ما هشت جلسه به آموزش زبان عربی اختصاص یافته است.
- ۲) فازَ تلمیذانِ اثنانِ منِ بَینِ سِنَّةِ طَلَّابِ فی مُسَابَقَةِ حِفْظِ الْقُرْآنِ: از میان شش دانش آموز شرکت کننده در مسابقه حفظ قرآن دومین نفر برنده شد.
- ۳) دُعِیتُ لِلْحُضُورِ فی حَفَلَةِ عَظِیمَةٍ سَتَنْعَقِدُ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَیَّامٍ: برای حضور در جشن بزرگی که سه روز دیگر برگزار خواهد شد دعوت شدم.
- ۴) صَبَاحَ الْیَوْمِ کَانَ تِسْعَةُ طَلَّابٍ یَنْتَظِرُونَ زِیَارَةَ أَحَدِ أَصْدِقَائِهِ: صبح امروز، هفت دانش آموز منتظر دیدن یکی از دوستان خود بودند.

۱۱. «قد أثبتت الاكتشافات الحديثة أن كلاً من الألوان يَخْتَفِي فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ، يُسَبِّبُ جِزْءاً مِنْ ظَلْمَتِهِ!»: (سراسری ۸۸)

- ۱) کشفیات تازه ثبت کرده اند که همه رنگ های پنهان، علتی برای تاریکی در اعماق دریاها می باشد!
 - ۲) در کشف های تازه ثابت شده است که هر رنگ مخفی در عمق دریا، سبب قسمتی از تاریکی آن می شود!
 - ۳) اکتشافات جدید ثابت کرده است که هر یک از رنگ ها که در اعماق دریا پنهان می گردد، قسمتی از تاریکی آن را سبب می شود!
 - ۴) در اکتشاف های جدید ثابت شده است که همه رنگ ها که در اعماق دریا مخفی شده است باعث جزئی از ظلمت دریا می گردند!
۱۲. «يَرَى الْكَافِرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّ أَعْمَالَهُ السَّيِّئَةَ تَشْهَدُ عَلَيْهِ، وَلَا بُدَّ مِنْ ذَلِكَ!»: (سراسری ۸۹)

- ۱) انسان کافر روز قیامت را در حالی که اعمال بدش علیه او شهادت می دهند، خواهد دید، و راه فراری هم ندارد!
- ۲) کافر روز قیامت را می بیند که کارهای بد او بر ضد وی شاهد هستند، و هیچ راه چاره ای برای او نیست!
- ۳) انسان کافر روز قیامت را می بیند که اعمال بد گواه او شده است، و راه گریزی هم از آن ندارد!
- ۴) کافر روز قیامت می بیند که اعمال بدش علیه او شهادت می دهند، و چاره ای هم از آن نیست!

۱۳. «بَعْضُ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ مُؤَثِّرَةٌ فِي ازْدِيَادِ قُدْرَةِ التَّعْلَمِ بِسَبَبِ مِيزَاتِهَا الْخَاصَّةِ!»: (سراسری ۸۹)

- ۱) بعضی مواد غذایی در افزایش نیروی آموزش به دلیل برجستگی ویژه ای که دارند مؤثر می باشند!
- ۲) برخی مواد غذایی به سبب ویژگی مخصوص به خود در رشد قدرت یادگیری مؤثر واقع می شوند!
- ۳) بعضی مواد غذایی به سبب ویژگی های خاص خود در افزایش قدرت یادگیری مؤثر می باشند!
- ۴) برخی مواد غذایی در بالا بردن نیروی آموزش به علت خصوصیت ویژه آن مؤثر واقع می شوند!

۱۴. «إِنَّ هُنَاكَ مَفَاهِيمَ بَسِيطَةً فِي الْقُرْآنِ تُدْرِكُهَا وَلَكِنْ لَا تَقْدِرُ أَنْ نَصِفَهَا.»: (سراسری ۹۰)

- ۱) مفاهیم ساده ای که در قرآن است قابل فهم برای ما می باشند ولی قابل وصف نیستند!
- ۲) در قرآن مفاهیم ساده ای وجود دارد که درکش می کنیم ولی قادر به توصیفش نیستیم!
- ۳) ما مفاهیم ساده ای را که در قرآن است هر چند درک می کنیم ولی قادر نیستیم آن ها را وصف کنیم!
- ۴) قرآن مفاهیمی دارد که هر چند ساده است و قادر به فهم آن هستیم اما برای ما قابل وصف نیستند!





(سراسری ۹۰)

۱۵. «الْأَفْضَلُ لِلطَّالِبِ أَنْ يَنْتَخِبَ فَرَعَهُ الْجَامِعِيَّ بِدَقَّةٍ حَتَّى لَا يَنْدِمَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ!»:

- ۱) دانش‌آموز باید رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند که بعداً پشیمان نشود!
- ۲) دانش‌آموز خوب، رشته دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می‌کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!
- ۳) بهتر برای دانش‌آموز این است که رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!
- ۴) برای هر دانش‌آموزی بهتر این است که رشته دانشگاهی خود را دقیقاً انتخاب نماید تا بعداً دچار پشیمانی نشود!

(سراسری ۹۰)

۱۶. «يُحَاسِبُ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَى كَثْرَتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، كَمَا يَرِزُقُهُمْ عَلَى كَثْرَتِهِمْ فِي الدُّنْيَا!»:

- ۱) روز قیامت حسابرس همه مردم خداوند می‌باشد، به گونه‌ای که در دنیا همه آن‌ها را روزی عطا می‌کند!
- ۲) روز قیامت خداوند به حسابرسی اکثریت خلق می‌پردازد، همچنان که اکثریت آن‌ها را در دنیا روزی عطا می‌کند!
- ۳) خداوند به حساب مردم در روز قیامت می‌رسد، هرچند تعدادشان کثیر است، چنان‌که در دنیا نیز با توجه به کثرتشان به آن‌ها روزی داده می‌شود!
- ۴) خداوند مردم را با وجود بسیار بودن تعداد آن‌ها، روز قیامت محاسبه می‌کند، همان‌طور که آن‌ها را با وجود بسیار بودن تعدادشان، در دنیا روزی می‌دهد!

(سراسری ۹۰)

۱۷. «شَعَرْتُ بِأَنَّ الشَّيْطَانَ يُفْهَقُهُ وَ يَسْخَرُ مِنِّي عِنْدَ عَصْيَانِي رَبِّي!»:

- ۱) گویی شیطان فهقه می‌زد و مرا مسخره می‌کرد زمانی که پروردگارم را نافرمانی کردم!
- ۲) هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان فهقه می‌زند و مرا مسخره می‌کند!
- ۳) هرگاه بر پروردگارم عصیان می‌کنم احساس می‌کنم مورد تمسخر و فهقه شیطان واقع شده‌ام!
- ۴) احساس کردم گویی این فهقه شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می‌کند!

(سراسری ۹۰)

۱۸. «أَخَذَتْنِي الدَّهْشَةُ عِنْدَمَا شَاهَدْتُ اجْتِهَادَ زَمِيلَاتِي فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهِنَّ أَكْثَرَ مِنْ غَيْرِهِنَّ!»:

- ۱) آن‌گاه که تلاش دوستان خود را که پیش از دیگران در ادای وظایف خویش می‌کوشیدند می‌بینم در شگفت می‌شوم!
- ۲) وقتی سعی رفقایم را بیش‌تر دیدم که در انجام دادن وظایفشان تلاش می‌کنند، تعجب و حیرت مرا فرا گرفت!
- ۳) آن‌گاه که فعالیت همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیف بیش‌تر از سایرین دیدم سخت حیرت کردم!
- ۴) وقتی تلاش همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیفشان بیش از دیگران دیدم حیرت مرا فرا گرفت!

(سراسری ۹۰)

۱۹. «إِنَّا مُكَلَّفُونَ بِالِانْتِفَاعِ مِنَ الطَّيِّبَاتِ الَّتِي خُلِقَتْ لَنَا فِي حَيَاتِنَا، لِأَنَّهَا تَضْمَنُ سَلَامَةَ أَرْوَاحِنَا وَ أَبْدَانِنَا!»:

- ۱) ما به استفاده از پاکیزه‌هایی که برای ما در زندگی مان آفریده شده است، مکلف شده‌ایم، زیرا آن‌ها سلامت روح‌ها و بدن‌های ما را تضمین می‌کنند!
- ۲) ما به بهره بردن از روزی‌های پاکی که برای ما به‌وجود آمده است، مکلف هستیم، زیرا که سلامت روان و جسممان را تضمین می‌کنند!
- ۳) ما مکلف به بهره‌مند شدن از روزی‌های پاکی شده‌ایم که خداوند برای ما خلق کرده، تا در زندگانی سلامتی روان‌ها و بدن‌هایمان را تضمین کنند!
- ۴) ما مکلف هستیم که از پاکیزه‌هایی که آفریده شده‌اند در زندگی استفاده کنیم، چه سلامت روح و بدن را تضمین می‌کنند!

- ۱) النَّاسُ بَعْضُهُمْ يَطْمِئِنُّ قَلْبُهُمْ عَنِ طَرِيقِ الْعِلْمِ فَقَطْ: گاهی مردم فقط از راه علم، قلبشان اطمینان می‌یابد،
- ۲) وَالْقُرْآنُ يَتَّخِذُ أَسْلُوبًا خَاصًّا لِدَعْوَةِ هَؤُلَاءِ النَّاسِ: و قرآن برای دعوت این مردم روش خاصی به کار می‌گیرد،
- ۳) هَذَا الْأَسْلُوبُ يَتَّكِي عَلَى الْبَرَاهِينِ وَالْأَدَلَّةِ الْعِلْمِيَّةِ: این روش بر برهان‌ها و دلایل علمی تکیه دارد،
- ۴) وَبِهَذِهِ الْآيَاتِ الْعِلْمِيَّةِ تَطْمِئِنُّ قُلُوبُهُمْ تَمَامًا: و با این آیات علمی قلب‌هایشان کاملاً اطمینان می‌یابد!

(سراسری ۹۵)

۲۱. «الشَّبَابُ الَّذِينَ يَعِيشُونَ فِي وَفُورِ النِّعْمَةِ يَقِفُونَ فِي وَجْهِ الْمَصَاعِبِ أَقَلَّ مِنَ السَّائِرِينَ.»

- ۱) از جوانان آنان که در برابر دشواری کم‌تر از سایرین ایستادگی می‌کنند، در فراوانی نعمت زندگی کرده‌اند.
- ۲) جوانان همان کسانی‌اند که در وفور نعمت به‌سر برده و کم‌تر از سایرین در برابر سختی مقاومت کرده‌اند.
- ۳) از جوانان کسانی که در فراوانی نعمت زندگی می‌کنند مقابل دشواری‌ها کم‌تر از دیگران می‌ایستند.
- ۴) جوانانی که در وفور نعمت زندگی می‌کنند در برابر سختی‌ها کم‌تر از دیگران ایستادگی می‌کنند.

(سراسری ۹۱)

۲۲. «كَلِمَةٌ خَيْرٌ تَفِيدُ، أَفْضَلُ مِنْ كِتَابٍ لَا فَائِدَةَ لَهُ.»

- ۱) کلمه خوب پرفایده، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای به کسی نرساند!
- ۲) سخن نیکی که تو از آن بهره ببری، برتر است از کتابی که هیچ فایده‌ای نرساند!
- ۳) یک کلمه خوب که مفید باشد، بهتر از کتابی است که هیچ فایده‌ای نداشته باشد!
- ۴) یک سخن نیک که فایده‌ای برساند، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای در آن نباشد!

(سراسری ۸۸ با تفسیر)

۲۳. «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ يَقُومُ بِتَأْدِيبِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِ غَيْرِهِ!»

- ۱) بهترین مردم آن کسی است که خود را قبل از دیگران تأدیب کند!
- ۲) بلندمرتبه‌ترین مردم کسی است که قبل از دیگری به تأدیب خود بپردازد!
- ۳) فاضل‌ترین مردم آن کسی است که ادب کردن نفس خویش را بر دیگران ترجیح دهد!
- ۴) برترین مردم کسی است که قبل از تأدیب دیگری به ادب کردن خود بپردازد!

۲۴. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) أَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ← صدایت را پایین بیاور.
- ۲) لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ ← با ناراحتی رویت را از مردم برنگردان.
- ۳) ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ ← نماز را به خاطر یادم برپا می‌کنی.
- ۴) ﴿إِنْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتُ لَصَوْتِ الْحَمِيرِ﴾ ← همانا زشت‌ترین صدا، صدای خر است.

۲۵. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعِينَةِ:

- ۱) هَذَا نَمُودَجٌ جَدِيدٌ فِي تَعَلُّمِ الْعُلُومِ. ← نمونه‌ای
- ۲) الْإِهْتِمَامُ بِالرِّيَاضَةِ يُسَاعِدُ عَلَى صِحَّةِ الْجِسْمِ. ← هنر
- ۳) إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. ← فخر فروش
- ۴) إِقْصِدْ فِي مَعَاشِكَ يَا أُخِي. ← فروتنی کن

۲۶. عَيْنُ الْخَطَا عَنِ تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعِينَةِ:

- ۱) هَذَا رَجُلٌ نَاهٍ عَنِ الْمُتَنَكَّرَاتِ ← بازدارنده
- ۲) كُنْتُ أَحْرَصُ عَلَى إِقَامَةِ الْأُمُورِ الْعَظِيمَةِ. ← اهتمام می‌ورزیدم
- ۳) الْفَنُونُ النَّافِعَةُ سَاعَدَتْنِي فِي الْمَعَاشِ ← هنرمندان
- ۴) الْغَيْبَةُ مِنَ أَقْبَحِ الْأَعْمَالِ فَعَلَيْنَا بِالْإِجْتِنَابِ عَنْهَا ← زشت‌ترین



■ عَيْنُ الْخَطَا عَنْ الْمُرَادِفِ أَوْ الْمُتَضَادِّ:

.۲۷

(۱) اِقْتِصَادٌ ≠ اِسْرَافٌ (۲) فَخُورٌ ≠ مُتَوَاضِعٌ (۳) مُخْتَالٌ ≠ مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ (۴) مُنْكَرٌ ≠ مَعْرُوفٌ

.۲۸

(۱) الْآبَاءُ ≠ الْأَمْهَاتُ (۲) مَوَاعِظٌ = نَصَائِحٌ (۳) أَوْمُرٌ = إِهَةٌ (۴) مُتَوَاضِعٌ ≠ مُتَكَبِّرٌ

.۲۹

(۱) سَكُوتٌ = صَمْتُ (۲) أَحْمَقٌ ≠ عَاقِلٌ (۳) دَعٌ ≠ أُتْرِكُ (۴) حِلْمٌ = صَبْرٌ

.۳۰

(۱) إِخْوَانٌ ≠ أَخْوَاتٌ (۲) آمِرِينَ ≠ نَاهِينَ (۳) خَدٌّ = وَجْهٌ (۴) طَيِّبَةٌ = حَسَنَةٌ

■ عَيْنُ الْخَطَا عَنْ مَفْرَدِ الْجُمُوعِ الْمَكْسُورَةِ:

.۳۱

(۱) الْأُمُورُ ← الْأَمْرُ (۲) فَنُونٌ ← فَنَّ (۳) نَمَازِجٌ ← نَمُودِجٌ (۴) نَهَاةٌ ← نَهَى

.۳۲

(۱) أَصْوَاتٌ ← صَوْتُ (۲) عِبَادٌ ← عَبَدَ (۳) حَمِيرٌ ← حِمَارٌ (۴) الشَّدَائِدُ ← شَرٌّ

.۳۳

(۱) جِيرَانٌ ← جَارٌ (۲) أَقْرَبَاءٌ ← قَرِيبٌ (۳) أَصْدِقَاءٌ ← صِدْقٌ (۴) زُمَلَاءٌ ← زَمِيلٌ

عَيْنُ الصَّحِيحِ لِتَكْمِيلِ التَّرْجُمَةِ:

۳۴. «أَرَادَ قَبْرُ أَنْ يَسُبَّ الَّذِي كَانَ سَبَّهُ.» «قَبْرٌ كه کسی را که او را دشنام داده بود.»

(۱) می خواست - دشنام بدهد (۲) خواست - دشنام بدهد

(۳) خواسته بود - دشنام داده باشد (۴) می خواهد - نصیحت کند

۳۵. «فَقَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع) لَهُ: مَهْلًا يَا قَبْرُ، دَعْ شَاتِمَكَ مُهَانًا تُرَضِّ الرِّحْمَنَ.»

«پس امام علی (ع) به او فرمودند: ای قبر ، خود را خوار تا [خدای] بخشاینده را»

(۱) آرام باش - دشنام گوی - رها کن - خشنود کنی (۲) آرام باش - دشنام دهنده - رها کردی - خشنود شود

(۳) مهلت بده - دشمن - ترک کن - راضی شود (۴) صبور باش - دشنام گوی - سرزنش نکن - خشنود کنی

۳۶. «و تَسْخِطِ الشَّيْطَانَ وَ تَعَاقِبْ عَدُوَّكَ.» «و اهریمن را و دشمنت را»

(۱) فریب بدهی - اذیت کرده باشی (۲) عصبانی کردی - کیفر دادی

(۳) خشمگین کنی - کیفر داده باشی (۴) خشمگین می کنی - کیفر می دهی

۳۷. «مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْحِلْمِ.» «مؤمن پروردگارش را با [چیزی] همانند ، خشنود نکرد.»

(۱) بردباری (۲) پرهیزکاری (۳) انفاق (۴) خوش خلقی



۳۸. «وَلَا أَسْخَطَ الشَّيْطَانَ بِمِثْلِ الصَّمْتِ»: «و اهریمن را با [چیزی] همانند خشمگین نکرد.»:

(۱) سخن (۲) خاموشی (۳) بدخلقی (۴) عبادت

۳۹. «وَلَا عَوْقِبَ الْأَحْمَقُ بِمِثْلِ السَّكُوتِ عَنْهُ»: «و نادان با [چیزی] همانند دم فرو بستن در برابرش»:

(۱) کيفر نشد (۲) عذاب نکشید (۳) کيفر نمی شود (۴) عذاب نمی کشد

۴۰. عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنْ تَوْضِيحِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

(۱) الْخَذُّ ← قَسَمٌ مِنْ صَفْحَةِ الْوَجْهِ. (۲) الْمُنْكَرُ ← الْعَمَلُ السَّيِّئُ وَالْقَبِيحُ.

(۳) حِمَارٌ ← حَيَّوَانٌ يُسْتَخْدَمُ لِلْحَمْلِ وَالرَّكُوبِ. (۴) مُخْتَالٌ ← الْإِنْسَانُ الَّذِي لَا يَفْتَخِرُ بِنَفْسِهِ كَثِيرًا.

۴۱. مَا هُوَ الْمُنَاسِبُ لِلْفَرَاعِينَ حَسَبَ التَّرْجَمَةِ؟ «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.»

« بندگان خدا نزد خدا آن‌ها نسبت به بندگان است.»

(۱) محبوبیت - سودمند (۲) محبوب‌ترین - سودمندترین

(۳) محبوب‌تر - سودمندتر (۴) دوست دارم - سود می‌رسانم

۴۲. كم خطأ جاء في الترجمة؟ «صار مبلغ هذه الفساتين مئتين و ثلاثين ألفَ تومان.» «قیمت این پیراهن‌ها صد و سی هزار

تومان می‌شود.»

(۱) ثلاثة (۲) اثنان (۳) أربعة (۴) واحد

۴۳. اجعل العدد المناسب حسب الترجمة:

«عشرون ناقصٌ واحدٍ يساوي»

«بیست منهای یک مساوی است با نوزده.»

(۱) عشرة (۲) أحد عشر (۳) تسعة عشر (۴) سبعة عشر

۴۴. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْفَرَاعِ حَسَبَ التَّرْجَمَةِ:

«سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ أَحَدٌ عَشْرٌ يُسَاوِي سَبْعَةً وَ ثَمَانِينَ.»

«هفتاد و شش یازده مساوی است با هشتاد و هفت.»

(۱) زائد (۲) ناقص (۳) تقسیم علی (۴) فی

۴۵. عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاعِ حَسَبَ التَّرْجَمَةِ: «أَنَا أَحِبُّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ.» «من یاد گرفتن زبان عربی را دوست دارم.»

(۱) تعلیم (۲) تعلّم (۳) تعلّم (۴) علّم

۴۶. عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي التَّرْجَمَةِ:

(۱) يا أسمع السامعين: ای شنواترین شنندگان (۲) يا علّام الغيوب: ای بسیار داننده غیب‌ها

(۳) يا أسرع الحاسبين: ای حسابرس حساب‌کنندگان (۴) يا من يحبّ المحسنين: ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد.



۴۷. عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ عَلَى حَسَبِ التَّرْتِيبِ:

«فِي ذَلِكَ الْمَتَجَرِّ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ، تَفَضَّلُوا أَنْظُرُوا وَ يَخْتَلِفُ سِعْرُهَا حَسَبَ النَّوعِيَّةِ.»:

(۱) بازار - شلوار - ارزان تر - بفرماید - جنس ها

(۲) بهترین - مغازه - نگاه کردند - جنس - دامن ها

(۳) مغازه - شلوارها - بهتر - نگاه کنید - جنس

(۴) دکان - پیراهن ها - بهترین - ببینید - کیفیت

۴۸. عَيِّنِ جَوَاباً جَاءَ فِيهِ ثَلَاثَةُ أخطاءٍ فِي التَّرْجُمَةِ:

(۱) هذا القميصُ الأصفرُ أعلَى من ذلك السُّروالِ الأسودِ: این پیراهنِ آبی از آن شلوار سفید ارزان تر است.

(۲) أعطِنِي من فضلك خمسة أمتارٍ من الحريرِ الأخضرِ: لطفاً به من پنج متر از حریر زرد بده.

(۳) ليس شيءٌ أثقلُ في الميزانِ مِنَ الخلقِ الحَسَنِ: در ترازو چیزی باارزش تر از اخلاق نیکویمان نیست.

(۴) عَلَّمَنِي المُرشدُ أن لا أنكسرَ قلباً أحَدٍ في الحياةِ: راهنما از من خواست که قلب کسی را در زندگی ام نشکنم.

۴۹. «و جادلهم بالتی هی أحسن» عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْمَفْهُومِ:

(۱) ظلم کردن عاقبت ندارد. (۲) جواب های، هوئه.

(۳) به در می گم دیوار تو گوش کن. (۴) آتش با آتش خاموش نشود.

۵۰. عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْمَفْهُومِ: «رُبَّ سَكوتٍ أَبْلَغُ مِنَ الْكَلَامِ.»

(۱) هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. (۲) گاهی سکوت، خودش پر از حرف است.

(۳) سکوت علامت رضاست. (۴) زبان سرخ سرسبز می دهد بر باد.

(سراسری ۷۹ با اندکی تغییر)

■ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ: (۵۱ - ۵۶)

كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا لَا يَنْسِي فَضْلَ الْوَالِدَيْنِ، فَتَعْلِيمُنَا وَ رَاحَتُنَا وَ رِعَايَتُنَا كُلُّهَا خَدَمَاتٌ وَ تَضَحِيَّاتٌ (فداکاری ها) يَقْدِمُهَا الْوَالِدَانِ لِسَعَادَةِ أَوْلَادِهِمْ. وَ بِهَذَا السَّبَبِ أَوْصَانَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ بِالْإِحْسَانِ إِلَى الْوَالِدَيْنِ وَ الطَّاعَةِ لَهُمَا، فَلَا نَرْفَعُ صَوْتَنَا عَلَيْهِمَا وَ لَا يَخْرُجُ مِنْ فَمِنَا كَلَامٌ يَدُلُّ عَلَى سُوءِ الْأَدَبِ بَلْ نَخْضَعُ لَهُمَا وَ نَسْعَى فِي اِكْتِسَابِ رِضَى الْوَالِدَيْنِ. وَ الْأَبْنَاءُ الْمَحْبُوبُونَ هُمُ الَّذِينَ يَأْخُذُونَ نَصَائِحَ الْوَالِدَيْنِ وَ يُطِيعُونَ أَوْامِرَهُمَا لِيَفُوزُوا بِالنَّجَاحِ وَ حُبِّ النَّاسِ.

۵۱. عَيِّنِ الْخَطَأَ لِلْفَرَاغِ: «الْوَلَدُ الْمَحْبُوبُ هُوَ الَّذِي

(۱) لَا يَتَكَلَّمُ أَمَامَ وَالِدَيْهِ. (۲) لَا يَرْفَعُ صَوْتَهُ عَلَيْهِمَا. (۳) يَأْخُذُ نَصِيحَةَ الْوَالِدَيْنِ. (۴) يُطِيعُ أَوْامِرَ وَالِدَيْهِ.

۵۲. بِمَاذَا يُوصِينَا الْقُرْآنُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ؟: «يُوصِينَا

(۱) بِالْقِيَامِ وَ الصِّيَامِ. (۲) بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ. (۳) بِالْإِحْسَانِ وَ الطَّاعَةِ. (۴) بِالنَّجَاحِ وَ حُبِّ النَّاسِ.

۵۳. لِمَاذَا يُقَدِّمُ الْوَالِدَانِ الْخَدَمَاتِ وَ التَّضَحِيَّاتِ لِلْأَوْلَادِ؟

(۱) لِرَاحَتِهِمْ وَ سَعَادَتِهِمْ. (۲) لِإِطَاعَتِهِمْ وَ اِكْتِسَابِ رِضَاهِهِمْ.

(۳) لِلْخَوْفِ مِنْهُمْ وَ الطَّمَعِ فِيهِمْ. (۴) لِلْفُوزِ بِالنَّجَاحِ وَ حُبِّ النَّاسِ.

